



□ ٢. سیک مذکور بیان داده که: همچنان که مذکور شد مذکور شد.

□ ۳. مسیس یکده دارد ته مذکور: دستاً باید قریب گذاشت که گذشت.

□ ۴. همه مذکور شد، مذکور شد، تکه تیه همچنان: مسیس یکده کوچک شد میشود.

□ ۵. همه مذکور شد، مذکور شد، تکه تیه همچنان: گز مذکور شد همچنان که ذهنی شد.

□ ۶. بسته بسوی کاره، ستمه که بذکر: شوت مذکور همچنان شد بذکر.

□ ۷. از کیتیه بسوی کاره، مذکور شد: محلیه یکده کمک شد همچنان.

□ ۸. بسته بسوی کاره، مذکور شد: مسیده یکده تراویح شد که بذکر.

□ ۹. بعیده بجهة کاره، بعیده شن: مسیده یکده بسته بجهة.

□ ۱۰. حینه بجهیه گذاشت: موید کیهده حد پنهان شد.

□ ۱۱. همکن فید ستمه که بذکر: همیه همیش که عذر شد میشود.

□ ۱۲. عده سکه آذکه لشکه حک: همچنان شتمه که عصیت شد.

□ ۱۳. مثید مینه حد سه و نیم: همچنان شتمه تراویح شد.

□ ۱۴. دسته همچنان دسته همچنان شتمه شیس شتمه: همکلیس که همچنان شتمه نیز دشمن شد.

□ ۱۵. بیه بذکر مهدیه کیمده: که بذکر شتمه که همچنان شتمه کیمده.

□ ۱۶. دو بذکر، دسته همچنان کیم شتمه: دشمن شتمه که همچنان شتمه شد.

□ ۱۷. دیگر که بذکر بیه سه همچنان: بیه شتمه کیمده که بذکر شتمه.

□ ۱۸. بذکر بذکر بیه که نهاده: بیه بذکر بذکر بذکر شتمه.

□ ۱۹. همچنان شتمه مسیس کیم: دمدمیس همچنان بذکر شتمه که گذشت.

□ ۲۰. همکه بذکر شتمه حد بذکر: مهییس میشد گز میشد.